

گزارش میدانی «شرق» از آسیب‌های جانی و مالی سیل چالوس

سیلی مغفول مانده



نسترن فرخه: «خانم داخل ماشین داد می‌زد کمک ولی چه کمکی؟ هیچ‌کسی نمی‌توانست کمک کند. ماشین با آدم‌های داخلش به سمت دره رفت. بعد از آن هم برای بازکردن جاده آن قدر آنجا خاک ریختند که دیگر نمی‌شود آنها را درآورده. بیش از یک هفته از آن روز می‌گذرد، سیل تمام شلوغی پنجشنبه‌های جاده چالوس را بر هم زد و هجدهم خرداد با جسد‌های بی‌جان، ماشین‌های ته دره و رستوران‌های ویران‌شده تمام شد، اما این شروع داستانی بی‌پایان برای این آدم‌ها شد. حالا بعد از این چند روز همچنان تابلوهای بین راه هشدار می‌دهند که در این جاده بیشتر از خوزنکلا نمی‌توان پیش رفت. بین راه نشانه‌های اتفافی در روزهای گذشته کاملاً عیان است. بخش‌های بسیاری از کوه‌های کنار جاده ریزش کرده و اطرافش را با نوار زردی نشانه گذاشته‌اند. تنها ماشین‌های حمل‌نخاله، امدادی و بولدوزر در این جاده‌ها تردد می‌کنند. بیشتر جاده‌های روستای خوزنکلا باز شده و کارگران و راهورها همه از کار شبانه‌روزی در این چند روز می‌گویند، اما ویرانی ساختمان‌ها و تونل‌های این جاده تنها امکان تردد در بخش‌های محدودی را به افراد می‌دهد. مرد میانسالی جلوی مجموعه شاندیز که دیگر نشانه‌ای از آن باقی نمانده، بیل به دست راه آب را باز می‌کند و از یک هفته کار شبانه‌روزی برای بازکردن جاده می‌گوید: «تونل یک، دو و سه کامل بسته شده بود، همه را ما بچه‌ها و راهداری باز کردیم. تقریباً دو یا سه گروه بودیم که جاده را تا حدی باز کردیم. آن‌قدر تونل بسته بود که ما مجبور بودیم سینه‌خیز از آن عبور کنیم. آن روز مردم ماشین‌هایشان را همین جا گذاشته بودند و فرار کرده بودند. آنهایی که جان سالم به در بردند دو روز بعد آمدند و ماشین‌ها را بردند. ماشین که چه عرض کنم، این سیل حتی یک ماشین سالم هم گذاشته بود. همه نابود شد و با یک‌کش همه را می‌بردند… بعد از این اتفاق خانم و آقایی آمدند و به ما گفتند دختر و دامادشان گم شده‌اند… اتفاقاً روز اول ماشینشان را ما به گوشه‌ای کشیده بودیم، فردای آن روز یک آقا آمد و ماشین را برد. روز سوم دختر جوانی آمد و می‌گفت پدر و مادرم را پیدا نکرده‌ام. ما بعداً از بومی‌ها شنیدیم این خانم و آقا موقع سیل از ماشین بیرون آمده‌اند. ماشین سالم ماند، اما خودشان با گل و لای به سمت سد کشیده شدند. کشت‌زنی هلال احمر هم فایده نداشت و آنها پیدا نشدند. آن روز مسئولان آمده بودند و مادر این خانم هم اینجا بود، می‌گفتند اگر خانواده شما اینجا بوده‌اند، با این حجم گل و لای پایین رفته‌اند…».

ویرانی باورنکردنی

آن گوشه، رستورانی متروک مانده، تنها یک زن و مرد روی تخت چوبی زهوار دررفته نشسته‌اند و به کارگرانی که آب را باز می‌کنند، نگاه می‌اندازند. آنها از حادثه روز پنجشنبه با جزئیات یاد می‌کنند. مرد میانسال با دست به شیب جاده اشاره می‌کند که به چشم حدود ۱۰ ماشین از دیده که سیل با خود به دره پایین جاده برده و زن جوان از صحنه‌ای حرف می‌زند که سیل ماشینینی با سرنشین را چند دور چرخانده و با خود برده است. آنها به رستوران‌شانذیز که چند متر آن طرف‌تر است اشاره می‌کنند و می‌گویند: «سیل که آمد همه چیز را برد، حتی مجسمه‌های بزرگ شیر جلوی این رستوران را خراب کرد و همراه خود برد. ما از ترس‌مان پشت شیشه‌های مغازه قایم شده بودیم چون ماشین تیباً را بلند کرد و با خود می‌برد، دیگر چه برسد به ما…».

دورتادور یکی از رستوران‌های بزرگ این جاده را با نوار هشدار بسته‌اند، گونی آبی‌رنگ را که کنار می‌زنی با فضای بزرگی از گل و لای و درختان شکسته و الاچیق‌های زیر گل مانده مواجه می‌شوی، ماشین قدیمی که به عنوان دکور در وسط حیاط رستوران شانذیز بوده حالا بین درختی تئومند و حجم زیادی گل به شکل عمودی مانده. از الاچیق‌های داخل این محوطه تنها سقف‌هایی تخریب‌شده بیرون مانده، نگهبان این مجموعه که حالا تنها فرد حاضر در این مخروبه است به ساختمان و حیاط زیر آوار اشاره می‌کند و می‌گوید: «ببینید تمام این فضا که روی آن ایستادیم چهار متر بالاتر از کف مجموعه است. یعنی سیل چهار متر گل و رسوب با خودش آورده، ما چند آب‌نما در این فضا داشتیم، الان همه زیر چهار متر گل و لای مانده…».

نگهبان از تمام بخش‌های این رستوران تازه افتتاح‌شده عکسی نشان می‌دهد، عکس‌های دو هفته قبل، یعنی چند روز بعد از افتتاح، حیاطی بزرگ با الاچیق‌های چوبی کنار هم، دو آب‌نمای بزرگ در وسط حیاط و کافه‌ای با چیدمان مدرن جلوی در ورودی، اما حالا تمام این حیاط تا چهار متر به گل نشسته و خبری از الاچیق‌ها و صندلی‌های نو و رنگارنگش نیست. از بین تمام آنها نمی‌

وعده تازه برای تکمیل پروژه متروکه

تکمیل پایانه شرق ۷۰۰ میلیارد تومان اعتبار می‌خواهد

شرق؛ سال گذشته بود که اعلام شد تمام تصمیمات مدیریت شهری پنجم درباره تریمینال شرق باطل شد و مسئولیت تریمینال شرق دوباره به معاونت حمل‌ونقل بازگشت؛ پروژه‌ای که می‌توانست با ۵۰ میلیارد تومان سال‌ها پیش به اتمام برسد، حالا به گفته پیمانکارانش برای تکمیل، ۷۰۰ میلیارد برای شهر هزینه دارد و بسیاری از تجهیزات آن نیز تخریب شده و دیگر در لیست پروژه‌های ۹۰درصدی شهر نیست.

در فهرست وعده‌های شهردار تهران در زمان بررسی بودجه ۱۴۰۱ به سرانجام رساندن این پروژه بود. آن زمان اعلام شده بود که تکمیل این پروژه نیاز به ۲۰۰ میلیارد اعتبار دارد. این وعده مدیران شهری در دو سال نخست عمر مدیریت شهری ششم هم محقق نشد.

اردیبهشت امسال نیز علیرضا زاکانی، شهردار تهران، در صحن شورای شهر تهران در زمانی که اعضای شورای شهر تهران پیگیر زمان تکمیل پایانه شرق بودند، اعلام کرد: درباره تریمینال شرق به دنبال انجام کارهای نمایشی نبودیم، وگرنه می‌توانستیم با احداث چهار استانسور این تریمینال را راه‌اندازی کنیم. سال گذشته عده‌ای به دنبال تملک این تریمینال با قیمت پایین بودند؛ ولی ما نسبت به اموال شهر تهران حساس هستیم و بهره‌برداری از این تریمینال را اکنون به مجموعه شهروند سپرده‌ایم.

مزایای راه‌اندازی پایانه شرق

اعضای شورای شهر ششم بارها درباره پللاتکلیفی این پروژه در صحن شورای شهر تذکر داده‌اند. سیدمحمد آقامیری، رئیس کمیته عمران شورای شهر تهران، در تذکری به موضوع تریمینال شرق اشاره کرده و گفته بود: تریمینال شرق در مساحت ۳۰ هکتار اجرا شده است. علت راه‌اندازی این پایانه این بود که پایانه سابق باعث کندی حرکت و ایجاد ترافیک شده بود. مزایای راه‌اندازی پایانه شرق این است که در نقطه گرهی خارج از محدوده شهر تهران است و دسترسی بسیار خوبی به بزرگراه‌های یاسینی،

از تخته‌سیاه داخل کافه مشخص است که قیمت نوشیدنی‌های مختلف روی آن نوشته شده. نگهبان لحظه شروع سیل و ویرانی بعد از آن را این‌طور روایت می‌کند: «صدای وحشتناکی آمد، قیل از سیل فقط یک باران ۲۰ دقیقه‌ای آمد و این وضع را پیش آورد. هنوز همه وسایل زیر گل مانده… این کافه برای دختر خانمی بود که کامل از بین رفته، آن روز در سوگ مرگ پدرش بود و سرس کار نیامده بود. خلاصه تمام وسایلش، حتی یادگاری‌های پدرش هم زیر این گل‌ها مانده… خیلی ترسناک بود. بارش باران زیاد شد که یکدفعه دیدم یکی از درخت‌ها کنده شده و همراه آب پایین می‌آید. فریاد زدم سیل آمد و مشتری‌ها به سالن اصلی فرار کردند، شیشه بیرونی رستوران را شکستیم و آنها فرار کردند، اما چهارتا از همکارانم در گل گیر کرده بودند و ما آنها را پیدا نمی‌کردیم. خلاصه بعد از سیل تا چند ساعت دنبالشان بودیم که سیل آنها را گرفت، دو سه ملق زد، صحنه بدی بود. خانم با کمک امدادگرها نجاتشان دادیم. بینشان یک کارگر افغان ۱۲ساله هم بود، از ترس نتوانست بود جواب صدای ما را بدهد. الان دو تا از همکارانم در بیمارستان بستری هستند چون موقع نجات دست و بدنشان با شیشه شکسته‌ها پاره شده بود. ما فکر می‌کردیم شاید وضع خیابان بهتر باشد، اما سیل چند ماشین را جلوی چشم ما برد. یک ماشین با خانم و آقا و یک نفر که عقب نشسته بود به سمت پایین می‌آمدند که سیل آنها را گرفت، دو سه ملق زد، صحنه بدی بود. خانم داخل ماشین داد می‌زد کمک ولی چه کمکی؟ هیچ کسی نمی‌توانست کمک کند، ماشین با آدم‌های داخلش به سمت دره رفت. بعد از آن هم برای بازکردن جاده آن‌قدر آنجا خاک ریختند که دیگر نمی‌شود آنها را درآورد. ماشین دیگری هم جلوی در گیر کرده بود و خانمی داخلش مانده بود، داد زد من را یادتان است؟ دیدم مشتری ثابت ما بوده، با زحمت آن خانم را بیرون کشیدیم، آن زن از ماشین بیرون آمد ولی ماشینش از بین رفته بود، سه روز بعد با کفی ماشینش را بردند…».

حالا از بین اتاق‌های متروک‌شده این رستوران هرچه بیشتر به سمت آشپزخانه می‌رویم بوی گندیدگی بیشتر در مشاممان می‌پیچد. نگهبان اجاق و دیگر وسایل زیر گل را نشان می‌دهد: «ببینید اینجا هر مواد غذایی که بوده فاسد شده، این بوی

متعفن برای همین مواد خراب‌شده است. همان موقع برق قطع شده و هیچ‌کدام از یخچال‌های آشپزخانه هم دیگر کار نمی‌کند».

خاک ریختند و تمام شد

با وجود کار شبانه‌روزی کارگران و راهبران، اما هنوز هیچ‌کدام از تونل‌ها به طور کامل قابل استفاده نیست. برای همین جز ماشین‌های سنگین حمل‌نخاله، کمتر ماشینی به سمت تونل‌ها حرکت می‌کند. سوار بر یکی از همین ماشین‌ها به سمت تونل یک و دو حرکت می‌کنیم. تونل‌های تاریک که تا همین چند روز قبل کارگرا به شکل سینه‌خیز تمام طول آن را طی می‌کردند، حتی از رد گل و لای روی دیوار، سیم‌های آویزان و تخریب دیوارهای داخلی این تونل هم مشخص است. آب و گل‌های روی زمین هم تقریباً به نیم‌متر می‌رسد، برای همین همچون بقیه مناطق سیل‌زده این جاده، بدون کفش مناسب، امکان راه‌رفتن برای افراد وجود ندارد. راننده کامیون هرازگاهی به سکوهای کنار جاده اشاره می‌کند که روز حادثه بعضی ماشین‌ها از آن مسیرها به دره پرتاب شده‌اند. از روزهای اول می‌گوید که مسئولان آمدند عکسی گرفتند و رفتند. به شرایط سخت این چند روز اشاره می‌کند: «روزهای اول که تونل را باز کرده بودیم آن قدر هوا پر از گرد و خاک بود که راننده‌های بولدوزر نمی‌توانستند آنجا کار کنند، اصلاً هوایی برای نفس کشیدن نبود».

مرگ‌های اشتباهی

لغزندگی زمین، در کنار تونل و دره‌های منتهی به آن، امکان تردد عابران را سخت می‌کند و برای همین بعد از بازدید تونل یک و دو به پایین جاده باز می‌گردیم. اینجا نیروهای راهور کنار جاده ایستاده‌اند و رفت و آمد به این جاده‌های پرخطر را کنترل می‌کنند. آنها از روز اول در منطقه حضور داشتند و اشاره می‌کنند با وجود اینکه هشدارها برای هوا اعلام شده بود اما از قبل حادثه سیل نیرو و خدمات امدادی در منطقه مستقر نبوده است. تعدادی از این نیروها موقع سیل شاهد گیرکردن مردم در تونل ۵ بودند. یکی از این نیروها می‌گوید: «دود زیادی در تونل جمع شده بود، ما مجبور بودیم یکی یکی ماشین‌ها را خاموش کنیم، حتی



دو تا بچه به دلیل دود زیاد داخل تونل دچار حادثه شدند… خودم دیدم. خانمی در ماشین گریه می‌کرد و گفت بچه‌ام خفه شد و مرد… بعد از آن امداد رسید ولی فایده نداشت. تا حدود ساعت چهار صبح کم کم مسدودیت تونل بیشتر شد چون سیل پایین‌تر آمده بود».

آنها از شدت سیل در همان دقایق می‌گویند که «یکی یکی از مردم خواستند تا از ماشین بیرون بیایند و وقتی همه بیرون رفتند سیل با شدت وارد تونل شده بود و مردم شاهد سیلی بودند که ماشین‌هایشان را می‌برد». یکی از آنها اضافه می‌کند: «سیل بعضی از ماشین‌ها و مردم را به سمت سد برد و چون تا آن لحظه هیچ تجهیزات و نیرویی نبود تا چهار صبح همه در سد ماندند، جز دو، سه نفر که با کمک افسرها بیرون کشیدیم. حالا تا امروز نیروهای مستقر در تلاش‌اند و هر روز یکی، دو جسد را از سد بیرون می‌کشند».

یکی از نیروها فیلم دختر جوانی را نشان می‌دهد که به دنبال مادر مفقودشده خود است. این دختر از یک فیلم پخش شده در فضای مجازی حرف می‌زند که مادرش را در داخل آن شناسایی کرده. این نیروی راهور می‌گوید: «این دختر خانم تقریباً هر روز برای یادکردن مادرش به اینجا می‌آید ولی تا الان چیزی پیدا نکرده، آن روز قیامت بود واقعا… تا الان هلال احمر خیلی جنازه پیدا کرده، اما بعضی جنازه‌ها دیگر پیدا نمی‌شوند چون وقتی سیل آمد و آدم‌ها به پایین دره افتادند، دقیقاً چند ساعت بعد برای بازکردن جاده بولدوزرها همان‌جا خاک ریختند…».

دردی که درمان نمی‌شود

کوه‌هایی رنگارنگ که خاطره سال‌های سال این مردم را رقم زد، اما ریزش‌های گاه به گاه آن و احتمال سیل، امکان مخوش‌کردن آن خاطرات را نزدیک‌تر می‌کنند. موضوعی که بومی‌های منطقه از عدم مدیریت درست آن گله دارند و رسیدگی به این وضع را وظیفه اصلی مسئولان می‌دانستند. ماجرابی که هر سال به شکلی قربانی می‌گیرد. همچنین طبق شواهد مأموران پلیس راهور آسیب‌های اطراف سد کرخ شدت بالایی دارد، اما مسئولان مربوطه با بیان لغزندگی جاده و امکان خطر جانی، امکان گشت‌زنی بیشتر را به خبرنگار «شرق» ندادند.

اجازه ترک فعل نمی‌دهیم

رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورا با تأکید بر اینکه در مرحله اول حفاظت ساختمان در دستور کار قرار گرفت، گفت: برنامه‌ها در شورا بررسی، تدابیر اندیشیده و مصوبات لازم در این زمینه تصویب شد؛ باید معارضین برطرف می‌شد که در دو سال قبل تمام موانع از سوی معاونت حمل‌ونقل برطرف شده و به عبارتی امروز آغاز بازسازی و تکمیل پایانه شرق است.

تشکری‌هاشمی با بیان اینکه در دوره قبل ترک فعل صورت گرفته و بیت‌المال از بین رفته است، تصریح کرد: دستگاه‌های نظارتی باید عملکرد مدیران را ببینند و تصمیم‌گیری کنند؛ اما ما اجازه ترک فعل و متوقف‌ماندن طرح را نخواهیم داد.

او ادامه داد: شهردار قول داده عملیات اجرایی این پایانه با جدیت دنبال می‌شود و ما این اطمینان و قول را بی‌دهیم که پایانه شش ماه آینده با قوت و جدیت به بهره‌برداری خواهد رسید.

تشکری‌هاشمی اعلام کرد: هر هفته روزهای چهارشنبه نظارت از سوی معاونت حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری و هر ماه یک بار از سوی شورا بازدید از پروژه انجام خواهد شد و در این مسیر با دید حمایتی پیش خواهیم رفت.

علی‌اصغر قائمی، عضو کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورا نیز با بیان اینکه عمده امور به ابنیه مربوط است، گفت: همان‌طورکه گفته شد، فاز اول شش‌ماهه به پایان می‌رسد؛ اما باید پیش‌بینی شود که هوشمندسازی حمل‌ونقل در این پایانه به حداکثر برسد و ارتباط با شبکه درون‌شهری و برون‌شهری فراهم شود. در استمرار مباحث ابنیه، دیگر موارد مرتبط با تریمینال شرق نیز به‌تدریج بررسی خواهد شد. معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران نیز در حاشیه بازدید اعضای شورای شهر از پایانه مسافربری شرق گفت: تا شش ماه دیگر فاز اول پایانه مسافربری شرق افتتاح می‌شود و در فاز دوم بخشی از ساختمان‌ها ساخته می‌شود. پایانه شرق مشکل حقوقی داشت، موضوع برطرف شده، پیمانکار قبلی تعیین تکلیف شد و مشاور جدید گرفتیم تا کار به‌روز شود.

بهرامی درباره عقب‌ماندگی‌های پایانه شرق گفت: ترک فعل مدیران دوره پنجم مدیریت شهری را از دستگاه‌های نظارتی پیگیری می‌کنیم.

اختلاف نظر بر سر این بود که آیا این پروژه، همان کاربری

پایانه را داشته باشد یا یک مجتمع بزرگ فرهنگی–اجتماعی در آن احداث شود. در نهایت این پروژه تکمیل نشد و مدیران این دوره شهری نیز تصمیم بر ادامه روند گذشته گرفتند و تنها پنج سال تکمیل این پروژه به تأخیر افتاد. روز گذشته اعضای کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران باز هم بازدید از این پایانه داشتند. پایانه فرسودتر از گذشته شده بود. او ضمن از شیشه‌های آن شکسته بود و سقف آن هم نم گرفته مقرر برای تردد اتوبوس و خودروهای سواری آماده کرد، گفت: در بخش اتوبوس تندرو دسترسی به خط یک فراهم خواهد شد؛ همچنین ۴٫۵ کیلومتر از ایستگاه متروی جشنواره تا این پایانه فاصله است که اجرای آن در اولویت قرار گرفته و با راه‌اندازی این ایستگاه مسافران می‌توانند به نقاط مختلف شهر دسترسی داشته باشند.

تشکری‌هاشمی همچنین تصریح کرد: اینکه پروژه پسرقت پروژه به رسانه‌ها گفت: این پایانه قرار بود پیش‌ازاین در اختیار شهروندان قرار بگیرد، متأسفانه در طول پنج یا شش سال گذشته و به عبارتی از سال ۹۶ که این پایانه با امکانات محدود قابل بهره‌برداری بود، طرح‌هایی مانند انبارداری، فروشگاه‌ی و فضای گردشگری برایش در نظر گرفته شد و تنها موردی که پیش‌بینی نشد، پایانه‌ای برای مسافران شمال کشور بود. اقدامات او با بیان اینکه قرار بود در سال قبل پایانه آماده شود که